View the original article

فراتر از خبر

ایران و امارات؛ چرا با وجود تهدیدها راه ارتباط کاملا بسته نمی‌شود؟

سعید جعفری

۲۶/مهر/۱۴۰۵



نمایی از شهر دوبی، مرکز اصلی تجاری امارات متحده عربی

در نزدیکی ساختمان سفارت امارات در تهران، تصویر یک پهپاد «شاهد» روی دیوار نقش بسته و کنار آن به انگلیسی نوشته شده است: «این صدا به شما نزدیک‌تر از آن چیزی است که فکر می‌کنید. شب خوش امارات.»

انتشار این تصویر در اوایل مهرماه امسال، چند روز پس از سفر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به ابوظبی و دیدارش با محمد بن زاید، رئیس امارات، فضای خصم‌آلود میان دو کشور ایران و امارات را تشدید کرد.

در همان روزها، محسن رضایی نیز به میزبانی امارات از نخست‌وزیر اسرائیل واکنش نشان داد و درباره پیامدهای آن هشدار داد.

این تهدیدها در شرایطی مطرح شد که امارات پیش‌تر هدف حملات ایران قرار گرفته و در مقابل، محدودیت‌های اقتصادی و بانکی علیه تهران را گسترش داده بود.

برای دو کشوری که دهه‌ها تجارت و رفت‌وآمد میان سواحل‌شان جریان داشته، این تحولات می‌تواند فراتر از یک دورهٔ تنش دیپلماتیک باشد. امارات برای اقتصاد تحریم‌شدهٔ ایران یکی از مسیرهای مهم دسترسی به جهان بوده و نزدیکی جغرافیایی نیز باعث شده که امنیت دو طرف، حتی در دوره‌های اختلاف، به یکدیگر گره بخورد.

اکنون هر دو می‌کوشند هزینهٔ رفتار طرف مقابل را بالا ببرند، در حالی که قطع همه راه‌های ارتباطی ممکن است بخشی از امکانات موجود برای مدیریت بحران را نیز از میان ببرد. اما مناسبات تهران و ابوظبی را چطور می‌توان تفسیر کرد و چرا با وجود این حجم از تخاصمات میان دو طرف، همچنان روابط برقرار است؟

بیشتر در این باره:

تهدید امارات به حملات پهپادی با دیوارنوشته‌ای در نزدیکی ساختمان این کشور در تهران



پیوندهای اقتصادی تا کجا می‌توانستند مانع درگیری شوند؟

روابط اقتصادی میان ایران و امارات همواره یکی از دریچه‌های ارتباطی دو کشور به شمار رفته و این موقعیت برای هر دو طرف امتیازاتی را به همراه داشته است. برای تهران که در طول سال‌های اخیر، شاهد گسترش تحریم‌های غربی بوده، دوبی فضایی برای تجارت و دور زدن بخشی از محدودیت‌های اعمال‌شده محسوب می‌شده است.

اما امارات هم به شکل‌هایی از در اختیار گذاشتن این موقعیت برای جمهوری اسلامی سود برده است. در سال‌های پیش از جنگ، امارات تلاش می‌کرد همکاری امنیتی با آمریکا و گسترش روابط با اسرائیل را با حفظ ارتباط با تهران همراه کند. دوبی همچنان محل فعالیت تجار ایرانی و واسطهٔ مبادلات اقتصادی بود و مقام‌های اماراتی نیز از ضرورت گفت‌وگو با همسایه شمالی خود سخن می‌گفتند.

حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر ارشد گروه بین‌المللی بحران، در گفت‌وگو با رادیوفردا، ریشهٔ این سیاست را در تلاش رهبران امارات برای کاهش احتمال آسیب دیدن از رویارویی با ایران می‌داند. آقای عزیزی در این خصوص می‌گوید: «ابوظبی کوشیده تا از طریق ایجاد یک شبکهٔ متراکم و چندلایه وابستگی‌های اقتصادی خود را در برابر پیامدهای رفتار تقابل‌جویانهٔ تهران بیمه کند. امارات همزمان می‌خواست جایگاه خود را به‌عنوان شریک قابل اعتماد آمریکا حفظ کند و از پیامدهای نزدیکی به اسرائیل، تا جایی که به واکنش ایران مربوط می‌شد، دور بماند».

ابعاد تجارت دو کشور نشان می‌دهد که این محاسبه بر پیوندهایی واقعی استوار بود. بنا بر داده‌های سازمان تجارت جهانی، حدود ۳۰ درصد از واردات ایران در سال ۲۰۲۴، به ارزش تقریبی ۲۱ میلیارد دلار، از امارات انجام شده است.

با این حال، حملات ایران به امارات نشان داد که منافع اقتصادی مشترک نتوانسته است مانع ورود رابطه به مرحلهٔ درگیری شود و میزان شکنندگی این روابط بیش از پیش آشکار شد. آسیب‌پذیری بنادر، تأسیسات انرژی و موقعیت امارات به عنوان کشوری که تلاش کرده خود را به عنوان مرکز امن تجارت و سرمایه‌گذاری در منطقه معرفی کند ممکن است باعث شود تا مقام‌ها در ابوظبی مجبور به تجدیدنظر در راهبرد انتخابی خود شوند. از سوی دیگر مجموعهٔ تنش‌های اخیر موجب شده تا در تهران هم بحث‌ها در خصوص میزان فایده و هزینهٔ این روابط اقتصادی تنگاتنگ با امارات جدی‌تر شود و اختلاف بر سر نحوهٔ برخورد با این کشور را آشکارتر کرده است. با این حال، روشن نیست طرفداران برخورد سخت‌تر تا چه اندازه توانسته‌اند بر تصمیم‌های عملی جمهوری اسلامی اثر بگذارند.



بیشتر در این باره:

ورود «عملیات تهاجمی» به ادبیات نظامی ایران؛ جنگ لفظی یا راهبرد واقعی؟

دیدگاه‌های متضاد در تهران

در شرایط تحریم، محدود شدن مسیر امارات می‌تواند تأمین کالا، انتقال پول و فعالیت شرکت‌های مرتبط با ایران را دشوارتر کند. اما اهمیت این رابطه برای همه بخش‌های ساختار سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی یکسان نیست و اختلاف دیدگاه به ویژه با شدت‌گیری تنش‌ها در تهران بیش از قبل شده است.

به باور عزیزی، تفاوت منافع و نگرانی‌ها در داخل جمهوری اسلامی باعث شده که دربارهٔ نحوهٔ برخورد با امارات دیدگاه یکسانی وجود نداشته باشد. او می‌گوید: «یک دیدگاه که خودش از این شبکهٔ متراکم و چندلایه و پیچیده نفع می‌برد معتقد است باید مسیر ارتباطی با امارات همچنان حفظ شود».

به باور آقای عزیزی، این گروه‌ها علاوه بر منافعی که خود از رابطه با امارات می‌برند، حفظ این مسیر را در شرایط تحریم برای اقتصاد کشور نیز ضروری می‌دانند.

در برابر این نگاه، به گفتهٔ عزیزی، طیفی با رویکرد امنیتی‌تر قرار دارد که وابستگی اقتصادی به امارات را آسیب‌پذیری می‌بیند. از نگاه این گروه، کشوری که با آمریکا و اسرائیل همکاری نزدیک دارد، می‌تواند از نیاز اقتصادی ایران برای فشار بر تهران استفاده کند.

این جریان در طول سال‌های اخیر، بارها از ایده‌هایی چون حمله به مراکز مالی و اقتصادی دوبی و ابوظبی حمایت کرده و حالا با شدت‌گیری تنش‌ها میان ایران و امارات، دیدگاه‌های خود را با صراحت بیشتری بیان می‌کند.

تصمیم امارات در ماه اوت برای تعلیق مبادلات تجاری و مالی، و محدودیت‌های بعدی علیه بانک ملی و پروازهای ایرانی، می‌تواند این نگرانی را تقویت کرده باشد. پیوندی که پیش‌تر امکان ادامه فعالیت اقتصادی را فراهم می‌کرد، اکنون قابلیت استفاده علیه ایران را نیز پیدا کرده است.

هزینهٔ چنین محدودیت‌هایی احتمالاً برای دو طرف برابر نیست و جایگاه و وضعیت متفاوت تهران و ابوظبی باعث می‌شود که تبعات چنین سیاست‌هایی هم برای آن‌دو یکسان نباشد. برخی کسب‌وکارهای اماراتی مشتری و درآمد خود را از دست می‌دهند، اما ایران، با گزینه‌های محدودتر در نظام مالی و تجاری جهان، ممکن است برای جایگزین کردن این مسیر دشواری بیشتری داشته باشد.

در چنین شرایطی اعمال محدودیت‌های تازه می‌تواند راهی برای فشار بر تهران از طریق همین وابستگی باشد، در حالی که امارات امکان ازسرگیری تعامل در صورت تغییر شرایط را نیز برای خود نگه می‌دارد.

از سوی دیگر تهدید امارات ممکن است از نگاه بخشی از تصمیم‌گیران ایرانی راهی برای افزایش هزینهٔ همکاری آن کشور با دشمنان تهران باشد و همچنین اتخاذ چنین تصمیماتی از سوی امارات، احتمالاً آن‌ها را بیش از قبل در معرض پاسخ‌های انتقامی ایران قرار خواهد داد.

بیشتر در این باره:

دیپلمات آمریکایی: ایران برای بازسازی اعتماد در منطقه به زمان و تلاش بسیار نیاز دارد



تفاوت منافع دوبی و ابوظبی

در سوی دیگر خلیج فارس نیز پیامدهای تنش با ایران برای همه بخش‌های امارات یکسان نیست. محدود شدن تجارت می‌تواند برای شرکت‌های دوبی و برخی امارت‌های کوچک‌تر هزینه‌ای ملموس‌تر از ابوظبی داشته باشد؛ جایی که ملاحظات امنیتی و سیاست منطقه‌ای وزن بیشتری در تصمیم‌گیری دارند.

عزیزی با اشاره به حضور دیرینهٔ تجار ایرانی در دوبی می‌گوید: «در دوبی، با توجه به پیشینهٔ دیرینهٔ روابط اقتصادی با ایران و همچنین شبکه گستردهٔ تجار ایرانی، بیشتر دیدگاهی مبتنی بر تنش‌زدایی و دور ماندن از تنش‌های منطقه‌ای با ایران اولویت دارد و این در حالی است که دیدگاه غالب در ابوظبی بیشتر تاکید بر موضوعات امنیتی و همچنین همکاری با اسرائیل است».

به باور او، حاکمان ابوظبی در پس تحولات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ [حملهٔ گروهٔ افراطی حماس به اسرائیل] فرصتی را پیدا کرده‌اند که تصور می‌کنند می‌توان از آن برای نقش‌آفرینی بیشتر امارات چه در منطقه و چه فراتر از آن در آفریقا استفاده کرد.

هرچند در تبیین اولویت‌های اساسی در حکمرانی امارات باید به این اختلاف‌نظرها توجه کرد، در عین حال بررسی تاریخی نشان می‌دهد که تفاوت‌های دوبی و ابوظبی بیش از آن‌که بر رقابت بر سر دو سیاست خارجی جداگانه تاکید داشته باشد بر تفاوت‌ها در شیوه اجرا و تاکتیک‌ها تمرکز دارد و نشانه‌های چندانی مبنی بر این‌که این دیدگاه‌های بعضاً متضاد به بحرانی در تصمیم‌گیری در مجموعه قدرت در امارات منجر شده باشد، در دست نیست.

در عین حال دیدار محمد بن زاید و بنیامین نتانیاهو نیز نشان می‌دهد حفظ امکان ارتباط با تهران، لزوماً ابوظبی را از گسترش همکاری‌هایی که برای امنیت خود لازم می‌داند، منصرف نمی‌کند.

بیشتر در این باره:

قمار امارات؛ تنش‌زدایی با ایران، همزمان با افزایش روابط نظامی با اسرائیل و آمریکا



امنیتی که برای همسایه تهدید می‌شود

با نزدیک‌تر شدن امارات به آمریکا و اسرائیل، نگرانی ایران از حضور و نفوذ این دو کشور در نزدیکی سواحلش بیشتر می‌شود. حملات و تهدیدهای تهران نیز می‌تواند رهبران امارات را به ضرورت تقویت همین همکاری‌ها متقاعدتر کند.

دانیا ثافر، مدیر اجرایی «گلف اینترنشنال فورِم» و پژوهشگر مسائل کشورهای عربی خلیج فارس، در گفت‌وگو با رادیوفردا، رابطه ایران و امارات را بیشتر ناشی از آسیب‌پذیری متقابل می‌داند تا اعتماد بلندمدت. او می‌گوید: «جغرافیا باعث شده که ارتباط میان دو کشور برای امنیت هر دوی آن‌ها اهمیت داشته باشد».

به گفتهٔ ثافر، یکی از اختلاف‌های اساسی این است که امارات آمریکا را بخش مهمی از ساختار امنیتی خود می‌بیند، در حالی که ایران حضور آمریکا را تهدید تلقی می‌کند. خانم ثافر همچنین اختلاف میان تهران و ابوظبی بر سر سه جزیره خلیج فارس را عامل دیگری می‌داند که بر حجم بی‌اعتمادی‌ها می‌افزاید. او همچنین در ادامه می‌گوید: «نیاز به کاهش تنش از ضرورت تأمین امنیت در بلندمدت ناشی می‌شود، حتی اگر زمینهٔ یک رابطه دوستانه فراهم نباشد».

انور قرقاش، مشاور رئیس امارات در امور خارجی، در مصاحبه یکم خرداد با رادیوفردا گفته بود کشورش خواهان تشدید درگیری با ایران نیست اما در عین حال تأکید کرده بود که بازسازی اعتماد از دید کشورش مسیری طولانی و بسیار بعید است.

این اظهارات به پیش از محدودیت‌های اقتصادی اخیر مربوط است و نمی‌توان آن را توصیفی از وضعیت کنونی روابط دانست. با این حال، نشان می‌دهد مقام‌های اماراتی حتی پس از حملات نیز برای حفظ برخی ارتباط‌ها با تهران ضرورت قائل بوده‌اند.

بیشتر در این باره:



شیعیان پاکستانی مقیم امارات؛ قربانی تنش‌ها بین ابوظبی و تهران

هر طرف از ادامه ارتباط چه می‌خواهد؟

در چنین شرایطی هر دو طرف تلاش می‌کنند با در نظر گرفتن امتیازات، محدودیت‌ها و تهدیدها، سیاست‌های خود را در قبال کشور مقابل تنظیم کنند. با وجود شدت‌گیری تخاصم میان ایران و امارات، همچنان مسیرهای ارتباطی بین دو طرف باز مانده و تلاش‌ها هم برای حل و فصل موردی برخی از اختلافات ادامه دارد. از جمله، در میانهٔ مهرماه، مقام‌های ایرانی از بازگشت ۱۷ شهروند زندانی در امارات خبر دادند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، ۱۲ مهر از این اقدام استقبال کرد و آن را حاصل رایزنی با طرف اماراتی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل دانست.

عزیزی این اقدامات را بخشی از تلاش امارات برای کاهش احتمال آسیب دیدن از سوی ایران می‌داند. به گفتهٔ او، ابوظبی هم‌زمان با اقدامات محدود اعتمادساز، همکاری اقتصادی و امنیتی با آمریکا برای خروج نفت از منطقه را نیز دنبال می‌کند.

گزارش‌های منتشر شده از تلاش‌های ابتکاری امارات برای استفاده از نفتکش‌های شاتل که همکاری و حمایت آمریکا انجام شده نشان می‌دهد که چطور امارات تلاش کرده ضمن خروج نفت از خلیج فارس، از

این طریق به ایران ضربه بزند و به سیاست فشار اقتصادی دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی کمک کند.

با ادامهٔ فشارهای اقتصادی و امنیتی، به نظر می‌رسد امارات می‌کوشد از وابستگی تجاری ایران و همکاری با آمریکا و اسرائیل برای تاثیر گذاشتن بر رفتار تهران استفاده کند، در حالی که برخی راه‌های تماس را نیز باز نگه دارد.

در عین حال تهران ممکن است همچنان به مسیر اقتصادی امارات نیاز داشته باشد، اما تهدیدهایش می‌تواند ابوظبی را به محدود کردن بیشتر همان مسیر سوق دهد. امارات نیز با فشار اقتصادی و تقویت همکاری امنیتی با آمریکا و اسرائیل، شاید بتواند بخشی از آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد، اما ممکن است همچنان در معرض پیامدهای رویارویی با همسایه شمالی باقی بماند.

حفظ تماس در این شرایط می‌تواند برای هر دو طرف امکان مهار بخشی از بحران را فراهم کند؛ هرچند با ادامه حملات و گسترش محدودیت‌های اقتصادی، حفظ این ارتباط هم دشوارتر خواهد شد.

اما این در حالی است که با اوج‌گیری تنش‌ها، این پرسش در تهران بیشتر مطرح می‌شود که آیا ادامه این شرایط و حفظ این موازنه به سود منافع ملی جمهوری اسلامی است یا باید به سمت برخوردهای سخت‌تر با این همسایه جنوبی خلیج فارس پیش رفت؟

این مطلب بخشی از:

ایران | بایگانی | فراتر از خبر

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.